



بودند. آن‌ها با شادی کوله‌هایشان را روی دوششان می‌انداختند و به مدرسه می‌رفتند و در راه هی نفس عمیق می‌کشیدند و با خودشان می‌گفتند: «به به، عجب روز خوبی! به به، عجب هوای تمیزی!»

می‌شدند. هوا هم کم‌کم تمیز و تمیزتر شد. دیگر از آسمان خاکستری و آن همه بوی دود خبری نبود. حالا دیگر در جیب خیلی از مردم یک کارت آبی قشنگ اتوبوس و قطار شهری بود. همه خوش حال تر بودند، چون هم زودتر به کارشان می‌رسیدند و هم شهرشان هوای بهتری داشت. از همه خوش حال‌تر، بچه‌ها

